



فابل‌های توفیق

دکتر عباس توفیق



فابل‌های توفیق

Towfigh's Fables

دکتر عباس توفیق

Abbas Towfigh, Ph.D



انتشارات مروارید

سرشناسه:	توفیق، عباس، ۱۳۱۳-
عنوان و نام پدیدآور:	فابل‌های توفیق / دکتر عباس توفیق
مشخصات نشر:	تهران: مروارید، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	۲۴۶ ص.: مصور.
شابک:	978-964-191-476-1
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیفا
یادداشت:	ص.ع. به انگلیسی: Abbas Towfigh, Towfigh's fables.
موضوع:	حيوان‌ها - افسانه‌ها و قصه‌ها
موضوع:	Animals - Legends and stories
موضوع:	داستان‌های کوتاه - مجموعه‌ها
موضوع:	short stories - Collections
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۵ ف۲/ت۹/۳ / ۱۰ PZ
رده‌بندی دیویی:	۸۰۸/۸۰۳
شماره کتابشناسی ملی:	۴۴۵۴۱۱۳



انستیتوت مروارید

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸ / ص. پ. ۱۶۵۴ - ۱۳۱۴۵
 دفتر: ۰۸۶۶۰۰۸۶۶ - ۶۶۴۱۴۰۴۶ - ۶۶۴۸۴۶۱۲ - فاکس: ۰۲۷ ۶۶۴۸۴۰۲۷ - فروشگاه: ۶۶۴۶۷۸۴۸
<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>
www.morvarid-pub.com



فابل‌های توفیق

دکتر عباس توفیق

کاریکاتورست‌ها: ناصر پاکشیر، احمد عربانی، کوروش سلیمانی

تولید فنی: الناز ایللی

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول بهار ۱۳۹۶

چاپخانه: کارنگ

تیراژ ۱۱۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۴۷۶-۱ ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۴۷۶-۱ ISBN: 978-964-191-476-1

۲۰۰۰۰۰ ریال

با تشکر از کاریکاتوریست‌های عزیز روزنامه‌ی توفیق

ناصر پاکشیر، احمد عربانی و کورش سلیمانی

که به‌طور افتخاری با این کتاب همکاری کردند.

فهرست

پیش‌گفتار.....	۱۱
البته به تشخیص!.....	۳۳
گفتاری دیگر درباره‌ی «فابل».....	۳۵

۱. فابل‌های اوریشینال توفیق

«درختان بزرگ می‌شکنند و خم نمی‌شوند».....	۳۹
«نتیجه‌ی اخلاقی».....	۴۲
پس این‌ها کجا بودند؟.....	۴۴
چه کسی مغز خر خورده بود؟.....	۴۶
اولی و... دومی.....	۴۸
رودخانه و دریاچه.....	۴۹
دانه‌ی ترسو.....	۵۰
صدف و مرغ.....	۵۱
پادشاهی که «روانشناس اجتماعی» بود.....	۵۲
چرا ماهی‌ها لال شدند؟.....	۵۴
پرنده و قفس.....	۵۶
مرغ مینا و سگ ولگرد.....	۵۷
رودخانه و صخره.....	۵۸
سنگ صبور.....	۶۰
مسی که دلش می‌خواست طلا بشه.....	۶۱

- ۶۳ دلیل «بزرگی»
- ۶۴ دموکراسی گرگ‌ها !
- ۶۷ گربه و بچه‌اش
- ۶۸ دانه‌های برف
- ۶۹ در کجا حق با قوی است؟
- ۷۰ ارزش یک ساعت فکر کردن
- ۷۳ لباس زرین
- ۷۴ گوساله‌ای که خیر سرش بزرگ شد!
- ۷۶ کلاغ... و بلبل
- ۷۸ قانون‌گذاران... و قانون‌پذیران!
- ۸۱ خاک را چه کار باید کرد؟
- ۸۲ گربه‌های درویش‌صفت
- ۸۴ نخستین حرف‌نشو
- ۸۵ از چاله به چاه
- ۸۶ یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کی نبود!
- ۸۷ دریا... و کوه
- ۸۹ عجب دنیای عجیبی است!
- ۹۰ آگاهی‌دهندگان ناشی
- ۹۲ باد و کوه
- ۹۳ بچه‌پرورها!
- ۹۴ سوزنی که ترقی کرد
- ۹۵ آدم و حوا کجایی بودند؟
- ۹۶ خوش خدمتان
- ۹۹ رودخانه‌ی حقیقت
- ۱۰۰ مداد و مدادتراش
- ۱۰۲ قصه‌ی «صفر» و «بی‌نهایت»
- ۱۰۴ قدرت مار در کجاست؟
- ۱۰۷ از تولید... به مصرف!
- ۱۰۸ مترسک... و کلاغ‌ها
- ۱۱۰ چشم‌ها
- ۱۱۱ ملا، داروغه، گدا و دزد!

۱۱۲.....	«لوکوموتیو» متظاهر.....
۱۱۵.....	چوپان پیر... و پسرهایش.....
۱۱۷.....	صداقت.....
۱۱۹.....	نیمکت‌ها.....
۱۲۱.....	باغ گل کاغذی.....
۱۲۴.....	روابط دولت - ملت!.....
۱۲۸.....	مشتری و خیاطه!.....
۱۲۹.....	آینه‌ها.....
۱۳۰.....	رودخانه‌ی پیر و جویبار جوان.....
۱۳۱.....	مناظره‌ی بوته‌ی تیغ و درخت میوه‌ی سایه‌افکن.....
۱۳۲.....	«آ»ی باکلاه و «ا» بی کلاه.....
۱۳۳.....	لیوان‌ها!.....
۱۳۴.....	«قضیه‌ی حمار».....
۱۳۵.....	چرخ، فلک و روزگار.....
۱۳۶.....	گربه‌ی باخدا!.....
۱۳۸.....	فراق ابدی.....
۱۳۹.....	مناظره‌ی درخت میوه، گل سرخ و خارخاسک.....
۱۴۰.....	جواب سرکاری!.....
۱۴۱.....	جوجه‌ی نومید.....
۱۴۳.....	پادشاه کوتوله.....
۱۴۵.....	الحمدلله...!.....
۱۴۶.....	جناب آقای وزیر.....
۱۴۹.....	قلوه‌سنگ و تخته‌سنگ.....
۱۵۰.....	راه... و چاه.....

۲. فابل‌هایی که ریشه در فولکلور ایران دارند

۱۵۵.....	«غم‌خوار محنت دیگران».....
۱۵۷.....	قصه‌ی اخلاقی «کک به تنور».....
۱۶۶.....	عاقبت خدای احمق‌ها.....
۱۶۷.....	نوکران قدرت.....

۱۶۸.....	قصه‌ی زنجیر عدل «انوشیروان عادل»!
۱۷۲.....	رودخانه... و سر بریده.....
۱۷۳.....	داستان «بنییس ما رو بکش مار!».....
۱۷۴.....	آرزو.....
۱۷۵.....	سفید چیست؟!.....
۱۷۶.....	ما اول باید چه کار بکنیم؟.....
۱۷۸.....	روباهه و خروسه.....
۱۸۰.....	بچه کلاغه و باباش.....
۱۸۱.....	اُ، دیدم!... اُ، دیدم!.....
۱۸۲.....	همکاری اجتماعی.....
۱۸۳.....	قصه‌ی حاج مم‌تقی... و حاج‌خانوم.....
۱۸۵.....	قطره‌ی باران و دریا.....
۱۸۶.....	ملا و خرش.....
۱۸۸.....	عاقبت زنی که هزاران سال پیش گفت "Equal right".....
۱۸۹.....	چرا قورباغه‌ها قورقورو شدند؟.....
۱۹۰.....	خر و دهقان.....
۱۹۳.....	سگ‌ها و گرگ‌ها.....
۱۹۵.....	رند... و خدا.....
۱۹۶.....	علم بهتر است یا ثروت؟.....
۱۹۷.....	پینه‌دوزها.....
۱۹۸.....	مناظره‌ی کک و شپش!.....

۳. فابل‌هایی که ریشه در فولکلور جهان دارند

۲۰۱.....	کفش‌های گُلّی.....
۲۰۲.....	حاتم طایی... و باران.....
۲۰۴.....	سلطان جنگل کیست؟.....
۲۰۶.....	قصه‌ی گنجشکه... و دهاتیه.....
۲۰۹.....	یافتیم!... یافتیم!.....
۲۱۰.....	انتخاب دوست.....
۲۱۱.....	مسابقه‌ی دو.....
۲۱۲.....	مبارزه با سیل.....

- بزرگ‌ترین قفل... کوچک‌ترین کلید ۲۱۳
- درخت حقیقت و بوته‌ی شایعه ۲۱۴
- خورشید برای چه بالا می‌آید؟ ۲۱۵
- میسوونها! ۲۱۶
- چرا نوای نی سوزناک و عاشقانه شد؟ ۲۱۷

۴. در اقتفای فابل‌های «ایزوپ»، «لافوتن»، «سعدی»، «عبید» و دیگران

- شنیدم گوسفندی را بزرگی ۲۲۳
- قصه‌ی گرگ و بره ۲۲۴
- اژدهای هفت‌سر! ۲۲۶
- دیگه عرضی ندارم! ۲۲۸
- قصه‌ی لک‌لک و روباه ۲۳۰
- کلاغ اهل مطالعه! ۲۳۲
- عُمِرِ باعزت ۲۳۴
- روباه عاقل ۲۳۵
- حاکم... و ببر ۲۳۷
- قصه‌ی خرس و بره! ۲۳۸
- «انتقاد»... و «مدح» ۲۴۲
- قزوینی در نبرد با شیر! ۲۴۴



فابل (FABLE) از ریشه‌ی لغوی لاتینی FABULA به معنی «واگوئی» و «حکایت کردن» قصه‌ی کوتاه و ساده‌ای است که شخصیت‌های آن بیشتر حیوانات، سپس آدمیان و اخیراً اشیاء هستند. فابل یکی از «انواع» (یا به قول نویسندگان فخر فروش: یکی از «ژانر» های) ادبیات است.

کارکرد فابل، زیر پوشش تفریح و سرگرمی، انتقاد غیر مستقیم از عیب‌ها و ضعف‌های مختلف اخلاقی انسان‌هاست و مسخره کردن زیرکانه‌ی نامردمی‌ها، تزویرها، ریاکاری‌ها، دورویی‌ها، نادرستی‌ها، آزمندی‌ها، ستمگری‌ها، فریبکاری‌ها، زورگویی‌ها، خودفریبی‌ها، کله‌شقی‌ها و ابله‌ی‌ها. عملکرد دیگر فابل آموزش تجربیات زندگی و تحسین هوشمندی، زیرکی، موقع‌شناسی، مهربانی، همیاری و دادن پند و اندرز است. مضامین فابل بسیار متنوع است، از رزائل گرفته تا فضائل اخلاقی و اجتماعی.

فابل درس کوتاه و ساده و روشن و شیرین اخلاق، درس زندگی، درس پندار و گفتار و کردار نیک، و درس مردم‌داری و حکومت‌گری دادگرانه است. فابل احمق‌ها را دست می‌اندازد، بدکاران را لو می‌دهد و ستمکاران را می‌کوبد.

فابل یکی از بهترین ابزار بیان، استدلال، محاوره و حتی مجادله است. آنچه فابل بیشتر بدان می‌پردازد ظاهراً رفتار حیوانات و باطناً رفتار آدمیان در موقعیت‌های مختلف است. کار فابل «به در می‌گویم، ولی دیوار تو بشنو» است. ظاهراً درباره‌ی حیوانات می‌گوید ولی در باطن مقصودش حیوانات دوپاست.

هنگامی که ما داستان جانوران دیگر را می‌خوانیم در واقع داستان خودمان را می‌خوانیم و در ذهن‌مان تشویق می‌شویم فکر کنیم ما دیگر چه جانوری هستیم؟... و با چنین جانوران اطراف‌مان چگونه رفتار کنیم؟... و در نتیجه، فابل برای گفتن ناگفتنی‌ها: غیرمستقیم، دوپهلوی و در پرده سخن می‌گوید.

قصه‌های حیوانات از کهن‌ترین آثار ادبی انسان‌ها از هر نژاد و قبیله و سرزمینی است. در قبایل آفریقایی، در بین قوم مایا، در چین، هند، ایران، مصر و همه‌ی سرزمین‌های باستانی صدها هزار قصه و فابل و افسانه درباره‌ی حیوانات وجود دارد و این نشان می‌دهد که طی هزاران سال در سراسر جهان در چه راه‌های مختلف و متنوعی از قصه‌های حیوانات استفاده شده است. فابل‌ها یکی از پرکاربردترین و پرشنونده‌ترین انواع داستان‌هاست. همه از کوچک و بزرگ از این داستان‌ها لذت می‌برند و می‌آموزند.

از فیلسوفان تا عارفان بزرگ گرفته تا آموزگاران اخلاق، مربیان اجتماع، سخنرانان، وعاظ، نویسندگان، روشنفکران، اندیشه‌مندان، نظریه‌پردازان عرصه‌ی فرهنگ و اجتماع و سیاست و حتی دست‌اندرکاران حکومت برای تفهیم آسان‌تر و شیرین‌تر عقاید خود و نقد نظرات دیگران از این نوع قصه‌ها

استفاده کرده‌اند و می‌کنند.

اما پیش‌تر از همه‌ی اینان، مادران جامعه‌ی بشری بوده‌اند که از قصه‌های حیوانات برای تفریح و سرگرمی و در عین حال آموزش کودکان خود بهره برده‌اند.

تا بشر زنده است و سرگرمی آموزنده و آموزش مفرح را بیشتر دوست دارد فابل نیز زنده و پایدار است.

فابل‌ها همچنین یکی از بهترین تمهیدات کارگزاران صالح حکومت‌ها و نویسندگان و شعرای مردم‌دوست برای نصیحت پادشاهان و درباریان بوده است. شاهان و حکام زیرک و نیکاندیش نیز مشوق گردآوری، ترجمه، تألیف و تدوین چنین حکایت‌هایی بوده‌اند.

نتیجه‌ی اخلاقی (MORAL):

در فابل معمولاً نویسنده پس از یک قصه‌ی کوتاه و فشرده‌ی جالب یا شیرین (یا: هم جالب و هم شیرین) که اقتباس یا خلق می‌کند، با یک یا دو جمله‌ی پرمعنا به نام «نتیجه‌ی اخلاقی» از فابل نتیجه‌گیری می‌نماید.

مهم‌ترین عامل ارزش‌گذاری برای یک فابل این است که در آن چقدر درس زندگی، پند، اندرز، نکته، حرف تازه و یا انتقاد از معایب بشری نهفته است.

در سال‌های اخیر در برخی جوامع غربی و به‌ویژه اروپایی سوءتفاهمی به وجود آمده است که قسمت «نتیجه‌ی اخلاقی» فابل‌ها سبب کوچک کردن خواننده می‌گردد! چنانچه توجه شود که هدف ظاهری فابل: سرگرمی، و هدف باطنی و غائی آن: آموزش از طریق پند و اندرز برای بهتر و هشیارانه‌تر زندگی کردن است آن‌گاه دیگر تصور نمی‌رود که نویسنده‌ی فابل با نوشتن «نتیجه‌ی اخلاقی» قصد فخرفروشی یا کوچک شمردن خواننده را دارد.

بهترین «نتیجه‌ی اخلاقی» آن است که نکته و لطف دیگری به فابل بیفزاید.

«نتیجه‌های اخلاقی» خوب گاه به «کلمات قصار» پهلوی می‌زنند.

پارابل (Parable):

«پارابل» (مَثَل) روایت تمثیلی بسیار کوتاهی است - کوتاه تر از «فابل» - که شباهت یا شباهت‌های ضمنی اما دقیق و جزء به جزء با اجزای یک عقیده یا حقیقت یا واقعیت و یا آموزه را از طریق قیاس، مقایسه یا تشبیه به سادگی نشان می‌دهد تا هنگامی که خواننده آن را می‌خواند خودبه‌خود و به سهولت متوجه عقیده یا درس اخلاقی و یا اصل مذهبی مورد نظر بشود. مسیح (ع) در تعلیمات خود از «پارابل» استفاده می‌کرد که یک نمونه‌ی آن «تمثیل درخت انجیر» بود. در قرآن نیز گاه از این روش استفاده شده است از جمله آنجا که می‌گوید مَثَل کسانی که تورات را در دست دارند اما آن را نمی‌فهمند مَثَل خری است که بر آن کتاب بار کرده‌اند که سعدی نیز آن را به شعر درآورده است:

«نه محقق بُود، نه دانشمند - چارپایی بر او کتابی چند»

فابل‌های ایزوپ^۱:

مشهورترین فابل‌های جهان «فابل‌های ایزوپ» است. این فابل‌ها طی ۲۵۰۰ سال گذشته همیشه سر زبان‌ها بوده و به اکثر زبان‌های زنده‌ی دنیا ترجمه شده است.

«ایزوپ» یا به زبان یونانی: «آی‌سوپوس» بر اساس نوشته‌ی مورخ شهیر یونانی «هرودوت»^۲ برده‌ی حبشی قصه‌گویی بوده است که در یکی از جزایر یونان به نام «ساموس»^۳ نزد اربابش فیلسوفی به نام «گزانتوس»^۴ زندگی

1. Aesop

2. Herodotus

3. Samos

4. Xanthus

می‌کرده. اربابش پس از مدتی ایزوپ را به شخص دیگری به نام «یادمون»^۱ می‌فروشد. سپس ایزوپ به علت کاردانی و به لطف هوشمندی‌اش آزادی خود را به دست می‌آورد. او در قرن ششم پیش از میلاد می‌زیسته و به گفته‌ای با کوروش هخامنشی کم و بیش هم‌عصر بوده است. ارسطو^۲، سقراط^۳، و پلوتارک^۴ و بسیاری دیگر در آثار خود از او یاد کرده‌اند.

ایزوپ پس از آزادی در سرزمین‌های یونان، مصر، حبشه، بابل (عراق فعلی)، لیدی (ترکیه فعلی) و اطراف دریای سیاه، که غالباً سرزمین‌های نزدیک ایران یا تحت حکومت ایران بوده‌اند، راه می‌افتد و ۳۰۴ قصه‌ی کوتاه آموزنده را از «فولکلور» یا بهتر: از فرهنگ و ادبیات مردم آن سرزمین‌ها جمع‌آوری می‌کند و خدمتی بزرگ، فراموش‌نشده‌ی و ماندنی به غنای ادبیات جهان می‌نماید. این کار و ذکاوت فراوانی که ایزوپ از خود نشان می‌دهد سبب شهرت و اعتبار فراوان او می‌شود و به نام «دانای لیدی»^۵ و «مشاور فرمانروایان و پادشاهان»^۶ و یکی از «هفت دانایان یونان»^۷ مشهور می‌گردد. این عنوانی بود که به ۷ فیلسوف، سیاستمدار و حقوقدان برتر یونان باستان داده می‌شد. برخی از محققان بر این نظرند که «ایزوپ» همان «لقمان حکیم» است. بعدها «پلوتارک» می‌نویسد که ایزوپ از طرف «کروزوس»^۸ پادشاه ثروتمند و قدرتمند لیدی برای یک مأموریت دیپلماتیک به «دلفی» می‌رود ولی متأسفانه در آنجا محکوم به مرگ می‌شود و خود را از صخره‌ای به پایین پرتاب می‌کند.

داستان‌های مختلف زندگی ایزوپ ممکن است افسانه‌بافی باشد. حتی اینکه شخصی واقعی به نام ایزوپ وجود داشته باشد امری قطعی نیست ولی شهرت و محبوبیت «فابل‌های ایزوپ» در همان زمان‌ها بدانجا می‌رسد که

1. Iadmon

2. Aristotle

3. Socrates

4. Plutarch

5. Sage of Lydia

6. Adviser to kings & city-states

7. Seven Sages of Greece

۸. Croesus of Lydia، که در جنگ با کوروش شکست می‌خورد.

«سوفوکل»^۱ در اشعارش از فابل‌های ایزوپ نام می‌برد. «فدر»^۲ آنها را به لاتین ترجمه می‌کند و حتی «سقراط» هنگامی که در زندان است چند فابل او را به شعر درمی‌آورد و «دیوژن»^۳ از آن یاد می‌کند.

شاعران بزرگ ایران «ناصرخسرو» (روزی زسر سنگ، عقابی به هوا خاست و...)، «سعدی» (منجمی که ادعا کرد از اوج فلک خبر دارد ولی از خانه‌ی خود خبر نداشت! و...) و «مولانا» (به شکار رفتن شیر و گرگ و...) نیز فابل‌هایی چند از ایزوپ را به نظم درآورده‌اند.

فابل در جهان غرب:

محبوبیت فابل‌های ایزوپ طی قرون اخیر نیز همچنان ادامه دارد. آنها را بسیاری از نویسندگان و شاعران به صورت نظم و نثر به زبان‌های دیگر ترجمه کرده‌اند. به علت شیرین و آموزنده بودن پندهای اخلاقی این فابل‌ها، در اروپا و آمریکا ترانه‌ها، نمایشنامه‌ها و فیلم‌های کارتون‌ی بسیار بر اساس آنها ساخته شده است. کمپانی فیلمبرداری معروف «برادران وارنر»^۴ فابل مسابقه‌ی دوی «خرگوش و لاک‌پشت» ایزوپ را با نقش‌آفرینی خرگوش معروف خود «باگزبانی»^۵ در نقش خرگوش ایزوپ و «سسیل ترتل»^۶ در نقش لاک‌پشت ایزوپ به صورت فیلم نقاشی متحرک درآورده است.

در غرب از افلاطون تا ارسطو و سقراط، تا «جان لاک»^۷ و بسیاری دیگر همه برای تفهیم و بیان بهتر و آسان‌تر نظرات خود از «فابل» بهره برده‌اند.

یکی از فابل‌های جدید بسیار مشهور و پرطرفدار نیم قرن اخیر، فابل «مزرعه‌ی حیوانات»^۸ است که در زبان فارسی زیر عنوان «قلعه‌ی حیوانات» ترجمه شده و تمثیلی است طنز آمیز و کوبنده علیه حکومت دیکتاتوری کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی (روسیه).

1. Sophocles

2. Phaedrus

3. Diogenes

4. Warner Bros

5. Bugs Bunny

6. Cecil Turtle

7. John Locke

8. Animal Farms

«فابل‌های لافونتن»^۱:

ژان دولافونتن^۲ شاعر، نویسنده و داستان‌سرای شیرین‌قلم بنام فرانسه در قرن هفدهم میلادی می‌زیست.

سبب اصلی شهرت او سرودن کتابی به نام «فابل‌های لافونتن» است. فابل‌های لافونتن کلاً ۲۴۱ فابل است. به گفته‌ی «گوستاو فلوبر»^۳ لافونتن تنها شاعر فرانسوی پیش از ویکتور هوگوست که ساختار زبان فرانسه را به‌خوبی درک کرده است.

کشور فرانسه برای بزرگداشت این شاعر بزرگ فابل‌ها در ۱۹۹۵ میلادی تمبرهایی به نام او و فابل‌هایش چاپ کرد. همچنین در ۲۰۰۷ میلادی در فرانسه فیلمی درباره‌ی زندگی او ساخته شد.

ایرانیان نخستین بار با لغت «فابل» در ترجمه‌ی چندی از «فابل‌های لافونتن» آشنا شدند که معروف‌ترینش فابل «روبه و کلاغ و پنیر» بود.

چون معروف‌ترین فابل‌ها در ایران «فابل‌های لافونتن» است بسیاری از فارسی‌زبانان تصور می‌کنند خلق این نوع از ادبیات به نام «فابل» یکی از ابداعات و ابتکارات لافونتن است و خالق فابل‌های لافونتن نیز خود اوست. حال آن‌که چنین نیست. لافونتن اکثر قریب به اتفاق فابل‌های خود را از ایزوپ، کلیله و دمنه، سعدی و دیگران گرفته است. هنر لافونتن انتخاب بهترین فابل‌هاست و شاهکار او پروراندن آن فابل‌ها به زیبایی تمام است.

همان‌طور که در پیش گفته شد فابل‌های ایزوپ نیز متعلق به خود او نیست و متعلق به فولکلور مردم سرزمین‌های یادشده است. افتخار ایزوپ درک ارزش والای فابل در هزاران سال پیش و گردآوری آن‌هاست.

در ایران، فابل‌های لافونتن با سه ترجمه‌ی متفاوت توسط توکل، نفیسی و سعیدی منتشر شده است.

1. Les Fables de La Fontaine
3. Gustave Flaubert

2. Jean de La Fontaine

فابل‌های «پنکانتترا»^۱

پنکانتترا یکی دیگر از مجموعه فابل‌های بسیار کهنسال جهان است. فابل‌های پنکانتترا حدوداً عمری به درازای فابل‌های ایزوپ دارند. در زبان سانسکریت^۲ «پنکانتترا» به معنی «پنج اصل» است و مجموعه‌ای از فابل‌های شفاهی بسیار کهن مردم سرزمین هند می‌باشد که صدها سال پیش از میلاد مسیح توسط شخصی به نام «ویشنو شارما»^۳ دانا گردآوری و به صورت قصه‌های بسیار به هم پیوسته تألیف و تنظیم می‌گردد. پنکانتترا معروف‌ترین اثر ادبی هند در جهان است. این کتاب — بیش از ۲۵۰ متن متفاوت و در بیش از ۵۰ زبان مختلف — بیشتر از هر اثر ادبی دیگر هند در دنیا ترجمه شده است. از شرق آسیا تا شمال غربی اروپا و حتی کشورهای دوردستی مانند ایسلند این اثر به شکل‌های گوناگون و از جمله به نثر و به شعر درآمده و باز به زبان اصلی خود سانسکریت برگردانده شده است.

ایرانیان باستان نخستین ملتی در جهان بودند که قرن‌ها پیش از همه‌ی ملت‌های دیگر قدر این کتاب بسیار جالب را دانستند، با هوشمندی و تلاشی خستگی‌ناپذیر نسخه‌ای از آن را به دست آوردند و در ۱۴۴۵ سال پیش، در سال ۵۷۰ میلادی به زبان پهلوی ترجمه کردند. اعراب هم این کتاب را به ایرانیان شناساندند. به این ترتیب که یک دانشمند زبان‌دان ایرانی به نام «دادبه» (ابن مقفع) ۱۸۰ سال بعد این کتاب را از زبان پهلوی به زبان عربی برگرداند. این کتاب سپس در جهان به عنوان نخستین شاهکار منشور ادبیات

۱. The Panchatantra (IAST: Pancatantra)، تلفظ نام این کتاب را در فارسی «پنجانتترا» نوشته‌اند.

2. Sanskrit

۳. Vishnu Sharma، این حکیم هندی «پیل پای» (Pilpay) و «بید پای» نیز نامیده می‌شود.

عرب شناخته شد.^۱ اروپاییان نیز پنج قرن پس از ایرانیان این کتاب را شناختند. این کتاب از ترجمه عربی همین مترجم ایرانی به زبان‌های یونانی، عبری، اسپانیایی و سپس به زبان‌های دیگر اروپایی مانند ایتالیایی، آلمانی، انگلیسی و غیره برگردانده شد.

این کتاب طی هزاران سال گذشته محبوب‌ترین و پرخواننده‌ترین کتاب در هندوستان بوده است.

«فابل‌های پنکانتترا» و «فابل‌های ایزوپ» سرگذشتی مشابه داشته‌اند. تعدادی از فابل‌های این دو نیز بسیار شبیه هم‌اند و به‌درستی معلوم نیست کدام‌یک از دیگری گرفته است. گروهی از فابل‌شناسان غربی معتقدند منبع اصلی این دسته از فابل‌ها سرزمین هند است.^۲ ولی به‌نظر نگارنده احتمال بیشتر آن است که این فابل‌ها، به علت دوست داشتنی بودن، از کهن‌ترین هزاره‌ها در قاره‌ی آسیا و در شرق اروپا دهن به دهن می‌گشته است.

در کتاب پنکانتترا داستان از آنجا شروع می‌شود که در هندوستان پادشاهی سه پسر دارد که هرچه به آن‌ها درس می‌دهند هیچ یاد نمی‌گیرند. شاه از مشاورانش راه چاره را می‌پرسد. آنان «ویشنوشارما»ی دانا را پیشنهاد می‌کنند و او طی ۶ ماه به کمک ۸۷ فابل به آن سه پسر وظایف، مسائل و مشکلات پادشاهی و راه و رسم زندگی و فرمانروایی را می‌آموزد. بعدها این کتاب به‌تدریج در دسترس مردم قرار می‌گیرد و آن‌ها برای سرگرمی و گذران ساعات فراغت و همزمان برای آموختن رموز و فنون و زیرکی‌های زندگی این کتاب را مورد استفاده قرار می‌دهند.

کتاب پنکانتترا شامل ۵ بخش است با موضوعات:

۱. تفرقه در میان دوستان (شیر و گاو نر): شغال شیر را می‌فریبد که گاو نر خائن است.

1. Lane, Andrew J. , Ecrire et transmettre dans le debut de L'Islam.

2. Funk & Wagnalls Standard Dictionary of Folklore Mythology & Legend

۲. دوست‌یابی و محاسن همیاری بین دوستان (دوستی و همیاری موش، کبوتر، کلاغ و لاک پشت).

۳. در جنگ: خدعه مهم‌تر از نیرو (کلاغ‌ها و جفدها): تظاهر یکی از کلاغ‌های سیاستمدار و نقشه‌کش به طرد شدن از گروه کلاغان - دوستی با جفدان - دریافتن نقطه‌ضعف دشمن و نابود کردن آنان.

۴. خیانت به دوستان (تمساح و میمون): تمساحی برای درمان زن بیمارش نیاز به قلب میمون پیدا می‌کند و مزورانه با او طرح دوستی می‌ریزد. اما میمون می‌فهمد و جان به‌در می‌برد.

۵. احماقانه بودن قضاوت و کار عجولانه (برهمن و میمون): برهمن بچه‌اش را به میمون می‌سپارد چون برمی‌گردد دهان میمون را خونین می‌یابد و او را می‌کشد. سپس بچه را زنده می‌یابد و می‌فهمد که میمون برای نجات بچه‌اش با ماری جنگیده و او را کشته و آن، خون مار بوده است نه خون بچه‌اش.

برخی از «قصه‌های پنکانتترا» و افسانه‌های «هزار افسان» (قصه‌های هزار و یک شب)^۱ نیز شبیه هم‌اند. ولی در این مورد هم باز روشن نیست کدامیک از دیگری آن‌ها را به عاریت گرفته‌اند. این نشانه‌ی دیگری است از نزدیکی فرهنگ و مردم دو تمدن کهنسال ایران و هند.

از نظر هندیان کتاب پنکانتترا رساله‌ای است در «علم سیاست و رفتار آدمی» و راهنمایی‌ای است برای «اداره‌ی هوشمندانه‌ی زندگی»^۲، «چگونه بهترین لذت‌های ممکن را از زندگی بردن» و «آموزش توسعه‌ی هماهنگ

۱. به‌نظر نگارنده، اغلب قصه‌های هزار و یک شب قصه‌هایی ایرانی است - شاه ایرانی است - قصه‌گو (شهرزاد) ایرانی است - اسامی بسیاری از شخصیت‌های قصه‌ها ایرانی است - و اکثریت وقایع آن در تمدن پیشرفته‌ی ایرانی اتفاق می‌افتد و نه در تمدن قبیله‌ای عرب. شب‌های این قصه‌ها نیز شب‌هایی کاملاً ایرانی است و نه «شب‌های عربی» (Arabian Nights) آن‌طور که غربی‌ها به علت دریافت ترجمه‌ی عربی آن قصه‌ها، به غلط آن را نامیده‌اند.

2. "Niti-Shastra": text book of niti. ("niti": the wise conduct of life).

نیروهای انسانی که در آن امنیت، رفاه، دوستی و آموختن درست، موجب زندگانی شاد گردد»^۱.

ولی اگر بدبینانه به آن نگریسته شود پنکاتنترا یک کتاب ماکیاولی^۲ هندی است برای آموزش خدعه و فریب در جنگ و زندگی، و نتیجه‌های اخلاقی فابل‌های آن (MORALS) نه تنها شباهتی به اخلاق نیکو ندارد که «غیر اخلاقی» و حتی «ضد اخلاقی» است^۳ — و با دید خوش‌بینانه کتابی است که فابل‌های آن با استفاده‌ی غیر احساساتی از تجربیات روزمره‌ی زندگی، مشوق به کار بردن هوشمندی، ذکاوت و رندی در زندگی به‌جای سادگی و ساده‌لوحی می‌باشد.

فابل‌های جاکاتا^۴:

جاکاتا نیز کتابی مذهبی و پر از فابل است. بسیاری از فابل‌های جاکاتا، که ادعا می‌شود خالق آن‌ها بودا پیش از درگذشتش در سال ۴۰۰، پیش از میلاد بوده است نظیر فابل‌های پنکاتنتراست. ولی بدیهی است که خالق این فابل‌ها مردم هند بوده‌اند و نه بودا.^۵

کتاب جاکاتا به وسیله‌ی روحانیان بودایی برای آموزش دستورهای مذهبی بودا تألیف و تنظیم شده است زیرا فقرا و بی‌سوادان هندی متن‌ها و دستورهای طولانی و مفصل و پیچیده‌ی بودایی را نمی‌فهمیدند ولی این فابل‌ها را می‌توانستند حفظ کنند و دستورهای عملی اخلاقی مذهب بودا را یاد بگیرند. در این کتاب حدود چهل جانور مختلف در ۱۲۳ فابل آن حضور دارند و داستان‌های آن، هم ساده و هم خلاصه‌اند لذا به‌راحتی قابل درک، فهم و حفظ کردن. ولی کتاب پنکاتنترا خیلی استادانه‌تر از جاکاتا تنظیم شده و قصه‌ها ارتباط و نظم و پیوستگی معقول‌تر و بهتری دارند.

1. Ryder (1925).---

2. Machiavellian

3. Fraklin Edgerton , George & Unwin , London, 1965.

4. Budduhist Jackata

5. Olivelle (2006)

فابل در ایران:

کهن‌ترین فابل موجود جهان احتمالاً یک فابل ایرانی است. این فابل که اثری باقیمانده از زمان اشکانی می‌باشد «درخت آسوریک» نام دارد و مناظره‌ی بز و درخت خرماست. در این فابل، «بز» نماد زندگی شبانی و ایلی و کوچ، و «درخت خرما» نماد زندگی کشاورزی و شهرنشینی می‌باشد.

«قصه»های ایرانی از کهن‌ترین «فابل»های جهان‌اند. خاستگاه فابل در ایران ریشه در آیین‌های کهن و در اسطوره‌های روزگار باستان ایران دارد. در این افسانه‌های باستانی، همه‌ی موجودات جهان «انسان گونه» اند. کوه، زمین، دریا، رود، چشمه، سنگ و درخت سرگذشتی انسان‌گونه دارند.

مادران و مادر بزرگان ایرانی خالق این فابل‌های زیبا بوده‌اند و طی هزاران سال آن‌ها را ساخته و پرداخته و صیقل زده و پرورانده‌اند. اغلب این قصه‌های کهن‌سال، انسان‌دوستانه و اخلاقی است و درباره‌ی پیروزی حق بر باطل، نور بر تاریکی و درستی بر نادرستی. «قصه‌ی بزبز قندی» یک نمونه از این نوع فابل‌های ایرانی است که گرگ به فریب متوسل می‌شود و بچه‌های بزبز قندی را می‌خورد و در آخر، درستی بزبز قندی بر نادرستی گرگ متقلب پیروز می‌گردد و بچه‌هایش: شنگول و منگول و حبه‌ی انگور نجات می‌یابند.

گاه این فابل‌های ایرانی حتی «فوق انسان‌دوستانه» است و عاشق است بر همه‌ی دنیا و همه‌ی موجودات در آن، اعم از انسان و حیوان و نبات و جماد. شاهکار همه‌ی آن‌ها، اخلاقی‌ترین و فاخرترین فابل جهان، «قصه‌ی کک به تنور»^۱ می‌باشد، فابلی ماورای شعر بسیار اخلاقی و انسان‌دوستانه‌ی «تو کز محنت دیگران بی‌غمی - نشاید که نامت نهند آدمی» سعدی که جهانی را به تحسین آن وا داشته است.

۱. قسمت انتهایی این قصه به‌نظر می‌رسد توسط انسان امروزی دستکاری و خراب شده است. برای رفع این نقیصه، با حفظ قالب و فلسفه و مکتب فکری این قصه، نگارنده قسمت آخر آن را اصلاح کرد که در همین کتاب ملاحظه خواهید کرد.

در این فابل، «مورچه» در غم افتادن دوستش «کک» در تنور، خاک بر سر می‌ریزد و همه‌ی موجودات دیگر جهان هستی: کبوتر، درخت، جوی آب، گندم‌زار، علف‌زار، کلاغ، گنجشک، گل، بلبل، نی، بره، هوا، آسمان، خورشید و ابر، از محنت مورچه‌ی عزادار غمین می‌گردند. متأسفانه به این قصه‌ی شاهکار، نه در ایران و نه در جهان، ابداً توجه نشده است.

فابل‌های کلیده و دمنه:

ایرانیان از کهن‌ترین روزگاران علاقه‌ای فراوان به فابل‌های دیگر مردم جهان داشته‌اند. ۱۵ قرن پیش در زمان ساسانیان، به راهنمایی بزرگمهر حکیم، انوشیروان هیأتی را به سرپرستی «برزویه‌ی پزشک»^۱ با هدایای بسیار به هند می‌فرستد و برزویه با تمهیداتی چند به کتاب سراسر فابل «پنکاتنترا» و چند کتاب دیگر دست می‌یابد. آن را از زبان سانسکریت به زبان پهلوی برمی‌گرداند و به ایران می‌آورد. برزویه آن را «کلیگ و دمنگ» می‌نامد. سراسر این کتاب گفتگویی است میان «رای» یکی از فرمانروایان هند و «برهن» راین دانشمندش.

«کلیده» و «دمنه» نام دو شغال نقش‌آفرین این کتاب است. «کلیده» معقول است و «دمنه» بی‌پروا و مقام‌پرست. کتاب بسیاری از فضائل و رذائل انسانی را دربرمی‌گیرد و بسیاری زیرکی‌ها می‌آموزد.

برزویه بخش‌هایی به این کتاب می‌افزاید که نخستین آن بخش «برزویه طبیب» شامل پیش‌گفتاری دانشمندانه و خواندنی بر «کلیگ و دمنگ» است. پیش‌گفتار او به پیش‌گفتارهای امروزی پهلوی می‌زند و شایسته‌ی تحسین فراوان است. در این پیش‌گفتار که در اوج قدرت موبدان زرتشتی و شاهنشاهی

۱. «برزوی» پسر «آذر مهر».

انوشیروان نگاشته شده برزویه شجاعانه «انجام کارهای نیکو» - و نه دین بهی زرتشتی - را پاک‌ترین همه‌ی دین‌ها می‌نامد و می‌گوید درباره‌ی فرستاده شدن پیامبر، روز رستاخیز و پاداش و کیفر فرجامین فریبانه چیزی نگفتم و از اوضاع زمان انوشیروان به شدت انتقاد می‌کند و می‌نویسد:

«می‌بینم که کارهای زمانه میل به پستی دارد. نیکوکاری مردم را وداع کرده و از افعال ستوده نشانی نمانده. راه راست: بسته، طریق گمراهی: گشاده، عدل: ناپیدا، جور: ظاهر، دانش در کار: نه، لثیمی و پستی همت: غالب، کرم و مروت: پنهان، دوستی‌ها: ضعیف، دشمنی‌ها: قوی، نیکمردان: رنجور و خوار، بدکاران: آزاد و عزیز، مکر و فریب: بیدار، سداد و صدق: در خواب، دروغ: مؤثر، راستی: بی‌اثر، حق: تهمت‌زده [متهم شده]، باطل: ظفریافته، پیروی هوی و هوس: مطبوع، ضایع ساختن احکام خرد: راهی روان، مظلوم: خوار، ظالم: عزیز، حرص: غالب و قناعت: مغلوب»^۱.



در همان زمان ساسانیان کشیشی ایرانی به نام «بود» ترجمه‌ی برزویه را به زبان سریانی برمی‌گرداند. ۱۸۰ سال بعد، پس از سقوط ساسانیان و شاهنشاهی ایران، در سال ۷۵۰ میلادی در زمان عباسیان «داد به پارسی» یک ایرانی دیگر با نام عربی «ابن مقفع» از روی ترجمه‌ی پهلوی برزویه کتاب «کلیلگ و دمنگ» را با نام «کلیله و دمنه» به عربی ترجمه می‌کند. او تغییراتی در آن می‌دهد و چیزهایی به آن می‌افزاید مانند محاکمه‌ی دمنه که در آخر داستان، دمنه محکوم به اعدام می‌شود. متأسفانه درست چند سال بعد خود «ابن مقفع» نیز متهم می‌شود که در این کتاب با استعاره، نظریات تند سیاسی ابراز داشته و اعدام می‌گردد.

۱. به نقل از چاپ سنگی کلیله و دمنه در چاپخانه‌ی «منشی نولکشور» واقع در «لکهنو» ی هند در اکتبر ۱۹۰۲.

در قرن ۱۲ میلادی ابوالمعالی نصرالله منشی، منشی دستگاه پادشاهی غزنویان هند «کلیله و دمنه» را برای بهرام‌شاه از زبان عربی با نام «کلیله و دمنه‌ی بهرام‌شاهی» به فارسی برمی‌گرداند.

در زمان سامانیان (حدود سال‌های ۳۳۱-۳۰۱ هجری قمری) رودکی کلیله و دمنه را به نظم می‌کشد ولی متأسفانه جز چند شعر از آن چیزی باقی نمی‌ماند.

کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی بیهقی (۸۴۰-۹۱۰ هجری) نویسنده‌ی بسیار پرکار و واعظ بسیار پرتعداد عهد تیموریان در اواخر قرن هشتم هجری کلیله و دمنه را همراه با شرح و نقد آن در چهارده فصل می‌نویسد و چون این کار را به درخواست و سفارش امیر نظام‌الدین شیخ احمد سهیلی از امرای دربار سلطان حسین بایقرا انجام داده بود، آن را «انوار سهیلی» می‌نامد. قصد کاشفی از این کار آن بود که به‌جای امثال و اشعار عربی و لغات مشکل کلیله و دمنه‌ی ابوالمعالی از اشعار و امثال و کلمات و اصطلاحات ساده‌تر فارسی استفاده کند.

فابل‌پردازان ایرانی:

از روزگاران دور و دراز نویسندگان و شاعران ایرانی زیادی به نوشتن و به‌ویژه سرودن فابل پرداخته‌اند بدون آن که نام آن‌ها را فابل بنامند. اکثریت قریب به اتفاق این فابل‌ها را ادیبان ایرانی از حکایت‌های عربی و یا از فولکلور مردم ایران گرفته‌اند و گاه یک فابل را چند شاعر و نویسنده‌ی ایرانی به تکرار سروده‌اند.

مرزبان‌نامه:

اسپهبد مرزبان بن رستم در قرن چهارم هجری مرزبان‌نامه را به زبان طبری باستان نوشت. مرزبان‌نامه فراتر از داستان و حکایت و فابل‌های تودرتو

از زبان جانوران و پرندگان و دیو و پری، بیان‌گر اوضاع و احوال و آداب و رسوم جامعه‌ی خویش است. این کتاب پر از انتقادهای طنزآمیز اجتماعی و سیاسی کنایه‌آمیز نیشدار نسبت به حکومت‌هاست. اشخاص کتاب مرزبان‌نامه طبقات گوناگون از پادشاه گرفته تا وزیر و تاجر و قصاب و آشپز و غلام را دربرمی‌گیرد. از این کتاب بسیار پرارزش متأسفانه نسخه‌ای باقی نمانده است. سعدالدین وراوینی در اوائل قرن هفتم هجری مرزبان‌نامه را به فارسی ترجمه می‌کند. ترجمه‌ی او به علت فراوانی لغت‌ها و اصطلاحات عربی بسیار پیچیده است اما یکی از شاهکارهای ادب فارسی در «نثر مصنوع مزین» می‌باشد. نثر او گاه بسیار آهنگین است و به شعر می‌ماند.

اسدی طوسی:

یکی از نخستین فابل‌سازان برجسته‌ی ایران اسدی طوسی است. او چند شعر بلند در این زمینه دارد که مناظره‌های «روز و شب»، «تیر و کمان» و «مغ و مسلمان» از آن جمله است.

ناصر خسرو:

آنچه را که در هزار سال پیش ناصر خسرو (۳۹۴-۴۸۱ هجری قمری) سرود، با تمام معیارهای کنونی، یک «فابل» است و بسیار پرمعنی، ارزشمند و کوبنده:

مناظره‌ی کدوبُن با چنار

نشنیده‌ای که زیر چناری کدوبُنی

بر رُست و بر دوید بروبر، به بیست روز

پرسید از آن چنار که: - تو چند روزه‌ای؟...

گفتا چنار: - سال مرا بیشتر ز سی‌ست

خندید پس بدو: - که من از تو به بیست روز
برتر شدم. بگوی که این کاهلیت چیست؟
او را چنار گفت که: - امروز ای کدو
با تو مرا هنوز نه هنگام داوری ست
فردا که بر من و تو وزد باد مهرگان
آنگه شود پدید که نامرد و مرد کیست!

عطار:

فابل‌سرای بزرگ دیگر ایرانی شیخ فریدالدین عطار نیشابوری (۵۴۰-۶۱۸ هجری قمری) است. «منطق‌الطیر» او شاهکاری است از یک «فابل واحد» و درعین حال از یک «مجموعه فابل»های تودرتو. در این فابل، عطار از هر یک از مرغان «تیپی» می‌سازد. «باز» نماد طبقه‌ی درباری است، «جغد» نماد ثروتمند خسیس، «بوتیمار» کینس حریصی که بر کنار دریا قرار دارد ولی آب نمی‌خورد مبادا تمام شود! و «بط» (مرغابی) دینداری که وسواس طهارت دارد، سجاده بر آب می‌گسترده ولی به اصل دین کاری ندارد!

«در بادی امر چنین به نظر می‌رسد که عطار خود مبتکر داستان سفر پرندگان به درگاه شاه مرغان سیمرغ باشد. ولی از تصفح^۱ در کتب قدما معلوم می‌گردد که وی مخترع این قصه نبوده بلکه از پیشینیان الهام گرفته است».^۲

ابوعلی سینا:

یکی از پیشینیانی که در بالا گفته شد شیخ الرئيس ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ هجری قمری) است که «رساله الطیر» را نوشت. این اثر ابن سینا نیز «متأثر از باب "الحمامة المطوقة" در کلیله و دمنه است».^۳

۱. ورق زدن و مطالعه.

۲. محمد جواد مشکور، منطق الطیر، ص ۵۵.

۳. بدیع الزمان فروزانفر، به نقل از منطق الطیر تصحیح محمدجواد مشکور، ص